



ارائه نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی با راهبرد نظریه پردازی داده بنیاد

حسن موفق^۱، غلامرضا هاشم زاده خوراسگانی^۲، اسفندیار دشمن‌زیاری^۳

۳۰

دوره ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۳۰
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۳۹۹-۰۷-۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۰-۰۷-۲۷

صص: ۳۷۱-۳۵۷

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای دانش و آگاهی ارزش قائل نیست و هیچ دینی مانند دین اسلام انسان‌ها را از خطر جهل برحذر نداشته است. مدیریت دانش مفهوم تازه‌ای نیست و بیشتر حاصل کار تمدن‌های قدیمی از جمله تمدن اسلام و ایران است. بسیاری از فیلسوفان علم بر این امر تاکید دارند که هر جامعه‌ای نیازمند به مجموعه دانشی است که متناسب با حافظه تاریخی، فرهنگی و به طور کلی، سازگار با محیط زندگی آن جامعه باشد. در این میان کشورهای اسلامی مخصوصاً ایران با داشتن فلسفه زندگی خاص و فرهنگ متفاوت با دیگر کشورها، به تئوری‌های خاص خود نیاز دارند. با وجود مطالعات فراوانی که در حوزه مدیریت دانش انجام گرفته است تعداد بسیار کمی از تحقیقات به مدیریت دانش با رویکرد ایرانی و اسلامی پرداخته‌اند و تحقیق جامع و معتبری در این خصوص مشاهده نگردید. این امر پژوهشگران را برآن داشت تا با استفاده از روش کیفی و راهبرد نظریه‌پردازی داده بنیاد به مطالعه و بررسی در حوزه مورد اشاره بپردازند. هدف این پژوهش این است که ضمن مقایسه مدل‌های مختلف مدیریت دانش و بررسی چرخه مدیریت دانش در ادبیات مدیریت و منابع اسلامی، نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی را ارائه کند. در این پژوهش با هفده نفر از خبرگان صاحب‌اختصاصی صورت گرفت که براساس تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده و پس از فرآیند کدگذاری سه مرحله‌ای متن صاحب‌ها ۲۳۵ کد نهایی، ۸۰ مفهوم نهایی و ۲۹ مقوله به دست آمد و سپس نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی مطرح شد.

واژه‌های کلیدی:

دانش، مدیریت دانش، نظریه مدیریت دانش، الگوی اسلامی ایرانی، داده بنیاد.

۱. استادیار گروه کامپیوتر و هنرهای چندرسانه‌ای، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) h.movafagh@ferdowsmashhad.ac.ir

۲. دانشیار گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، تهران، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

مدیریت دانش مفهوم تازه‌ای نیست. در حقیقت مدیریت دانش بیشتر حاصل کار تمدن‌های قدیمی است تا نوآوری های اخیر. مروری بر روند تکامل مدیریت دانش حاکی از آن است که مدیریت دانش در سراسر دوره‌ها به شکل‌های مختلفی حضور داشته، از تصاویر حک شده در لوح‌های رسی گرفته تا انواع سیستم‌های فنی که امروزه انسان با استفاده از آنها، ایجاد فرهنگ دانش مدار و تحقق یکپارچه چهار حلقه خلق، سازماندهی، تبادل و بکار بستن دانش، آن را مدیریت می‌کند. در دوره معاصر نظریه پردازان بسیاری در راستای تکامل مدیریت دانش درگیر بودند که از آن میان می‌توان نظریه پردازان بزرگی همچون پیتر دراگر، پاول استراوس من و پیتر سنگه از آمریکا را نام برد. دراگر و استراوس من بیشتر در زمینه اهمیت ارتقاء اطلاعات و دانش ساده به عنوان منابع سازمانی، و سنگه با تمرکز بر سازمان‌های یادگیرنده، ابعاد فرهنگی مدیریت دانش را بوجود آورده‌اند. تعداد دیگری از دانشمندان وابسته به مجله هاروارد حقایق دیگری از مدیریت دانش را آشکار نمودند. در حقیقت دانشمند معروف لئونارد بارتون توانست مورد کاوی قابل توجهی را از شرکت استیل چاپارل ارائه دهد. همزمان با رشد ایده دانش به عنوان منبع استراتژیک در قرن ۲۱، دانش به مثابه یک مزیت رقابتی مهم در سازمان‌های پیشرو، مورد توجه جدی قرار گرفت. از این رو چندی است که بسیاری از دانشمندان علم مدیریت تلاش‌هایی را برای نظام‌مند کردن استفاده از دانش در سازمان از راه ایجاد باب جدیدی در مدیریت با عنوان مدیریت دانش را آغاز کرده‌اند. عصر دانایی یا دانش، عنوان جدیدی است که به زمان حاضر و آینده نزدیک اطلاق می‌شود. به منظور استفاده بهینه از سرمایه دانش در سازمان‌ها رشته جدیدی از مدیریت بنام مدیریت دانش پدید آمده است تا ضمن بهبود بخشیدن به فرآیندهای دانش و با پیوند بین استراتژی سازمان و استراتژی مدیریت دانش در زمان مناسب، در زمان مناسب، برای فرد مناسب به حفظ مزیت رقابتی سازمان کمک کند (موفق، ۱۳۹۷).

در زمینه مدیریت دانش اسلامی و از منظر اهل سنت آثاری هست که در آنها منابع مورد استناد، معدودی از آیات قرآن و یکی دو نقل از رسول اکرم (ص) است. مدیریت دانش از منظر اسلام تلاش برای تحقق دانایی‌های کارکنان، مدیران و ذینفعان درونی و بیرونی سازمان از طریق فرایند سکوت، کسب، نگهداری، بکارگیری و انتشار دانش است. در منابع اسلامی، برای مدیریت دانش فرایندی بیان شده است که می‌توان آن را از آیات و روایات به دست آورد (منطقی و اکبری، ۱۳۹۲: ۵). در منابع اسلامی آمده است: مردی خدمت رسول خدا آمد و گفت: یا رسول الله دانش چیست؟ فرمود: سکوت کردن. گفت: سپس چه؟ فرمود: گوش فرادادن. گفت: سپس چه؟ فرمود: حفظ کردن. گفت: سپس چه؟ فرمود: به آن عمل کردن. گفت: سپس چه ای رسول خدا؟ فرمود: انتشار دادن (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۴۸). مضمون حدیث فوق به صورت جدی‌تر، در حد لزوم و وجوب، در روایت دیگری از رسول اکرم نقل شده است که حضرت فرمود: چهار چیز بر هر صاحب خرد و عقلی از امت من واجب است. گفتند: ای پیامبر! آن چهار چیز چیست؟ گفت: به علم و دانش گوش فرا دادن، و آن را به یاد سپردن، و در میان مردمان نشر کردن، و خود به کار بستن (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۵۷). همچنین از امام باقر نقل شده است که در ایام فتح مکه، پیامبر اسلام در محوطه کعبه ایستاده بود که هیأتی از



نمایندگی قبیله بکرین وائل محضر رسول خدا آمدند و به حضرت سلام کردند. رسول خدا از آنها در مورد قُسَبِن ساعده پرسید. آنها در پاسخ گفتند: مُرد. پیامبر خدا در حق او دعا کرد و از صفات و رفتار نیک او یاد نمود و گفت: او برای مردم خطبه می خواند و می گفت: ای مردم گرد آید و چون گرد آمدید، خاموش شوید و چون خاموش شدید، گوش دهید و چون شنیدید، بیندیشید و کامل فرا بگیرید و چون فرا گرفتید، به خاطر بسپارید و چون به خاطر سپردید، درست نقل کنید و انتشار دهید (کراجکی، ۱۴۱۰ق: ۱۳۴). در روایات بعضی از ائمه نیز، فرایند پنجگانه همانند روایات پیشین، که از رسول اکرم نقل شده، آمده است: و قال بعضهم: **أَوَّلُ الْعِلْمِ الْإِنصَاتُ ثُمَّ الْإِسْمَاعُ ثُمَّ الْحِفْظُ ثُمَّ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّشْرُ** (دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۱۵).

از نظر اسلام انسان‌ها در هر حرکت و کاری نیاز به دانش و آگاهی دارند و تمام اعتقادات، اخلاق و اعمال انسان‌ها باید مبنای علمی داشته باشد (تولایی، ۱۳۹۰: ۱). جامعه فعلی یک جامعه دانش‌مدار است. سه مشخصه این جامعه عبارتند از: بی‌مرزی، پویایی و سرعت. مشخصات سه‌گانه مذکور موجب رقابتی شدن بسیار زیاد جامعه دانش‌مدار می‌گردند (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). در عصر کنونی بسیاری از فیلسوفان علم بر این امر تاکید دارند که هر جامعه‌ای نیازمند به مجموعه دانشی است که متناسب با حافظه تاریخی، فرهنگی و به طور کلی، سازگار با محیط زندگی آن جامعه باشد. براین اساس جهان شمول بودن بسیاری از تئوری‌ها نه تنها در حوزه علم‌الاجتماع و علوم انسانی، بلکه در حوزه فیزیکی و مادی نیز زیر سوال رفته است. در این میان کشورهای اسلامی با داشتن فلسفه زندگی خاص و فرهنگ متفاوت با دیگر کشورها، به تئوری‌های خاص خود نیاز دارند. به همین صورت جوامع اسلامی نیز در حوزه مدیریت جامعه به طور اعم و مدیریت سازمان‌ها به طور اخص نیازمند تئوری‌های بومی و اسلامی متناسب با مبانی علوم دینی هستند (دانایی فرد و مومنی، ۱۳۸۷: ۸۰). در حوزه مدیریت دانش مدل‌های مختلفی ارائه شده است ولی بسیاری از آنها با مبانی علوم اسلامی و فرهنگ ایران سنخیت چندانی ندارد و عدم کاربرد آنها در عمل شکاف میان تئوری و عمل را در اذهان متبادر کرده است. از طرف دیگر، با توجه به این مساله که نرخ شکست در پروژه‌های مدیریت دانش قابل توجه است (شاه‌بندرزاده و توکلی، ۱۳۹۳: ۱۳)، فلذا ارائه مدل مدیریت دانش بومی امری ضروری به نظر می‌رسد تا احتمال شکست پروژه‌های مدیریت دانش کاهش یابد. با توجه به موارد ذکر شده باید گفت استقرار مدیریت دانش بدون داشتن مدل بومی امری بیهوده و ناکارآمد خواهد بود. تا کنون تحقیقات مدونی به منظور ارائه و توسعه مدیریت دانش ایرانی اسلامی صورت پذیرفته و نوآوری این پژوهش مطرح نمودن نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی است. بنابراین هدف پژوهش حاضر این است که ضمن مقایسه مدل‌های مختلف مدیریت دانش و بررسی چرخه مدیریت دانش در ادبیات مدیریت و منابع اسلامی، در نهایت نظریه مدیریت دانش را با رویکرد ایرانی و اسلامی ارائه کند. مساله و دغدغه اصلی نبود مدل مدیریت دانش متناسب با فرهنگ و ارزش‌های ایرانی و اسلامی است. بنابراین پژوهشگران در این تحقیق با اتکا به راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به ارائه نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی پرداخته‌اند تا در این عرصه الگویی کاربردی مطرح نمایند.



هدف و پرسش پژوهش

هدف اصلی: ارائه نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی.

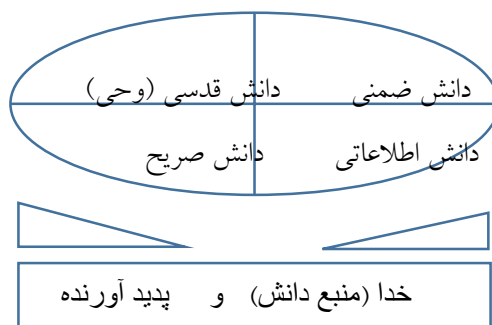
سؤال اصلی: چه مدل مدیریت دانشی بر مبنای آموزه‌های اسلامی و ایرانی مناسب است؟

پیشینه پژوهش

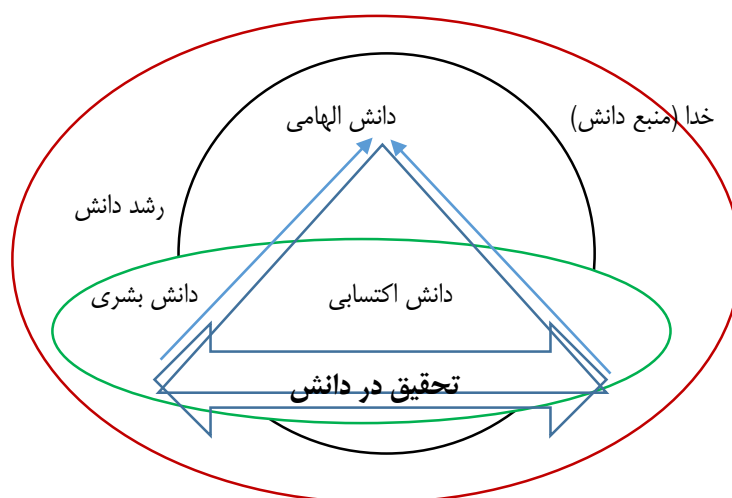
العطاری و زیری^۱ (۲۰۰۱) در یک مطالعه تطبیقی، قابلیت دسترسی سیستم‌های مدیریت دانش را در بخش‌های دولتی و عمومی کویت بررسی کرده‌اند. در این مطالعه مشخص گردید که بیشتر بخش‌های دولتی و عمومی باور دارند که سیستم‌های مدیریت دانش برای پیشرفت سازمان‌هایشان بسیار مهم و ضروری است. همچنین مشخص شد که عمده‌ترین روش در سازمان‌های کویت برای تسهیم دانش بین کارکنان، استفاده از مجلات داخلی سازمانی است. لیویتز و چن (۲۰۰۳) در پژوهشی که در مورد مدیریت دانش در بخش دولتی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که تسهیم دانش در سازمان‌های دولتی چالش‌هایی دارد چون عموماً وابسته و بوروکراتیک هستند و تسهیم دانش در آنها سخت است. بسیاری از مردم در تسهیم دانش بی‌میل هستند زیرا آنها دانش را در خود حفظ کرده تا توسط دانش که عامل قدرت شمرده می‌شود صاحب درجه و مقام گردند. حسن‌زاده (۱۳۸۶) در رساله دکتری خود با هدف بررسی زیرساخت مدیریت دانش در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشی را در ۲۱ وزارتخانه و نیز سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی انجام داد. نتایج پژوهش نشان داد که بین وزارتخانه‌های مختلف و سازمان برنامه‌ریزی کشور، به لحاظ فراهم آوردن عوامل زیرساختی مدیریت دانش تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج نشان داد که به طور کلی وضعیت عوامل زیرساختی مدیریت دانش در وزارتخانه‌ها و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مناسب نیست. در زمینه مدیریت دانش اسلامی و از منظر اهل سنت آثاری هست که در آنها منابع مورد استناد، معدودی از آیات قرآن و یکی دو نقل از رسول اکرم (ص) است. اخوان و خادم‌الحسینی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام" تحقیق کیفی با رویکرد پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل انجام داده‌اند. نتایج کلی از مطالعات حاکی از همخوانی مدیریت دانش با مفاهیم و اصول اسلام است تا حدی که می‌توان مفاهیم و پایه‌های مدیریت دانش را با استناد به قرآن، سنت و سیره معصومین (ع) و سایر منابع دانش اسلامی بازشناسایی و تعریف کرده و گسترش و توسعه داد و در راستای مدیریت دانش اسلامی مورد استفاده قرار داد. این تحقیق نخستین بار به بررسی تطبیقی مدیریت دانش و مدیریت دانش اسلامی بر پایه احادیث و تبیین رابطه قرآن و علم بویژه دانش روز از دیدگاه منابع شیعی پرداخته است (اخوان و خادم‌الحسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۴). در شکل (۱) می‌توان دیدگاه اسلامی را نسبت به مفاهیم و روابط بین اقسام دانش تشریح کرد. این تقسیم‌بندی به نوعی تقسیم‌بندی معرفت‌شناختی دانش است. شکل (۱) نشان دهنده تصور کلی نسبت به دانش و معرفت است. هر دانشی از دانش‌ها پدید آورنده و حاملی دارد و گوناگونی دانش و معرفت به شکل‌های ذیل، محصول احوال و اسباب آنها است.



شکل (۱): مفهوم‌سازی مرسوم و رایج در دانش (روابط بین دانش و معرفت در دیگاه کلی) (محمدبکر، ۲۰۱۱: ۳۶۵)

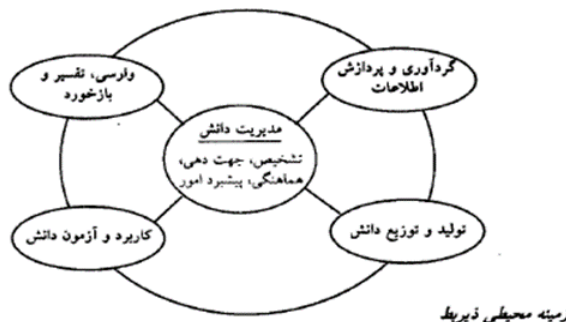


در شکل (۲) می‌توان به درک بهتری از مفاهیم اسلامی دانش رسید.



شکل (۲): دیدگاه فراگیر و مفهومی اسلام به دانش و معرفت (العطاس، ۱۹۸۰: ۵۵)

ترکزاده (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "روش پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل، روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پر بعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی" الگوی کارکردی از توسعه دانش مدیریت اسلامی ارائه داده‌اند، که مدیریت دانش در مرکز چرخ توسعه دانش مدیریت اسلامی قرار دارد و نقش‌های تشخیص، جهت‌دهی، هماهنگی و پیشبرد امور را ایفا می‌کند.



شکل (۳): الگوی کارکردی توسعه دانش مدیریت اسلامی (ترکزاده ۱۳۸۸: ۱۰۶)



مقاله "مفهوم سازی اسلامی مدیریت دانش" مستقیماً و مقاله "مفهوم آموزش در اسلام غیرمستقیم" به موضوع پرداخته اند. مقاله "مدیریت دانش و دعوت اسلامی و کارآفرینی" نیز مرتبط می باشد. در این مقالات این فرض ها تایید شده است:

□ جامعه اسلامی جامعه ای دانش بنیان است.

□ بین مفاهیم مدیریت دانش و مفاهیم اسلامی ارتباط وجود دارد.

□ می توان براساس مدیریت دانش، الگویی برای مدیریت دانش اسلامی عرضه کرد.

تا کنون تحقیقات مدونی به منظور ارائه و توسعه مدیریت دانش ایرانی اسلامی صورت پذیرفته و نوآوری این پژوهش ارائه نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی است.

چارچوب نظری و روش پژوهش

در دهه های گذشته تاکید بر روش شناسی کیفی، جایگزین تفوق و برتری روش شناسی کمی شده است. اگر به پیروی از دنزین و لینکلن^۱ مباحث مطرح شده در روش شناسی کیفی را به چهار عرصه پارادایم ها و رهیافت ها، استراتژی ها، روش های جمع آوری و تحلیل داده ها و در نهایت روش های ارائه پژوهش تقسیم کنیم، یکی از جذاب ترین این عرصه ها، استراتژی های پژوهشی است. امروزه در روش شناسی کیفی استراتژی های گوناگون نظیر مطالعه موردی، قوم نگاری، پدیدار شناسی و غیره وجود دارد. یکی از مهم ترین این استراتژی ها کشف نظریه از داده ها است که نظریه پردازی داده بنیاد^۲ نامیده می شود. امروزه این روش شناسی یکی از پرطرفدارترین استراتژی های پژوهش کیفی است و هر روز نیز بر دامنه استفاده از آن افزوده می شود (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ۷۱). بنابراین نظریه پردازی داده بنیاد روشی است که براساس و پایه داده ها به تولید نظریه می پردازد. امروزه سه رهیافت مسلط در نظریه پردازی داده بنیاد قابل تمیز است: رهیافت نظام مند^۳ که با اثر استراوس و کوربین^۴ شناخته می شود؛ رهیافت ظاهرشونده^۵ که مربوط به اثر گلاسر^۶ است و رهیافت ساخت گرایانه^۷ که توسط چارمز^۸ حمایت می شود. در نظریه پردازی داده بنیاد از نمونه گیری نظری استفاده می شود و تصمیم برای انتخاب نمونه در جریان فرآیند پژوهش سازمان می یابد. در این روش نمونه گیری به شیوه ای که در پژوهش های کمی انجام می شود مطرح نیست، به عبارت دیگر گستره جمعیت اصلی و ویژگی های آن از پیش مشخص و شناخته شده نیست. از طرف دیگر نقطه شروع در نظریه پردازی داده بنیاد کار آسانی نیست و این حائز اهمیت فراوان است، زیرا گام های آغازین پژوهشگر در رسیدن به نظریه را پایه ریزی می کند. یکی از مفروضات زیربنایی نظریه پردازی داده بنیاد این است که داده های ناشی از نظریه های گذشته نباید جریان تحقیق و جمع آوری داده را جهت دهد. همچنین مرحله اول تحقیق بر مبنای

1. Denzin & Lincoln
2. Grounded Theory
3. Systematic
4. Strauss & Corbin, 1993
5. Emergent
6. Glaser, 1992
7. Constructivist
8. Charmaz, 1990, 2000



نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، ماهیتی اکتشافی دارد (لقمان‌نیا به نقل از گلاسر، ۱۳۹۰، ۳۹). در این پژوهش فرآیند اجرای نظریه‌پردازی داده‌بنیاد براساس معروف‌ترین رهیافت موجود، رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین ارائه می‌شود. و برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، از تحلیل نظریه‌پردازی داده‌بنیاد^۱ استفاده شده است؛ نظریه‌پردازی داده‌بنیاد یک نظریه نیست بلکه روش‌شناسی برای کشف نظریه‌های خوابیده در داده‌ها است. بنابراین نظریه‌ها به آهستگی در یک فرآیند انتزاعی‌سازی تدریجی از داده‌ها پدیدار می‌شوند (ریچرتز^۲، ۲۰۱۰).

برای انجام این پژوهش با هفده نفر از خبرگان سراسر ایران در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ مصاحبه اختصاصی صورت گرفت. راهبرد این پژوهش به لحاظ کیفی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد^۳ است که ریشه در واقعیت داشته و توضیحات حوادث را به همان گونه‌ای شرح می‌دهد که رخ داده است (پیران‌نژاد و قلی‌پور، ۱۳۹۲، ۲۳). این روش از نظر پارادایمی و نظری بر اصول پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی استوار است و فرض می‌گیرد که انسان‌ها عامل‌های هدف‌مندی هستند که نقش فعالی در تفسیر کردن و پاسخ‌گویی به مسأله ایفا می‌کنند (ارشدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۵). در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد از نمونه‌گیری نظری استفاده می‌شود و تصمیم برای انتخاب نمونه در جریان فرآیند پژوهش سازمان می‌یابد. یکی از مفروضات زیربنایی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد این است که داده‌های ناشی از نظریه‌های گذشته نباید جریان پژوهش و جمع‌آوری داده را جهت دهد. همچنین مرحله اول پژوهش بر مبنای نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، ماهیتی اکتشافی دارد (لقمان‌نیا به نقل از گلاسر، ۱۳۹۰: ۳۹). در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. پژوهشگر به جای این که مطالعه خود را با نظریه از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار را با یک حوزه مطالعاتی خاص شروع کرده، اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود. نظریه برگرفته از داده‌ها نسبت به نظریه‌ای که حاصل جمع آمدن یک سلسله مفاهیم بر اساس تجربه یا تاملات صرف است، با احتمال بیشتری می‌تواند نمایانگر واقعیت باشد و از آن جا که نظریه‌های زمینه‌ای از داده‌ها استنتاج می‌شوند، می‌توانند با ایجاد بصیرت و ادراک عمیق‌تر، رهنمود مطمئنی برای عمل باشند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸: ۴۵).

در پژوهش کنونی از پایایی بازآزمون و روش توافق درون‌موضوعی دو کدگذار (ارزیاب) برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شده است. و برای افزایش تاثیرپذیری داده‌های مصاحبه دو روش کنترل اعضاء و بهره‌مندی از ناظران خارجی را مورد استفاده قرار داده است که از جمله روش‌ها و معیارهای اعتبارسنجی پژوهش‌های کیفی هستند. در روش نخست طی دوره پژوهش یافته‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و از جانب ایشان کنترل و ارزیابی شد. در روش دوم نیز مفاهیم استخراج شده با دو نفر از استادان صاحب‌نظر و رویکرد انتقادی مورد ارزیابی قرار گرفت تا اطمینان حاصل شود که موارد استخراج شده، به درستی بیانگر نظریه‌های مطرح شده مشارکت‌کنندگان است.

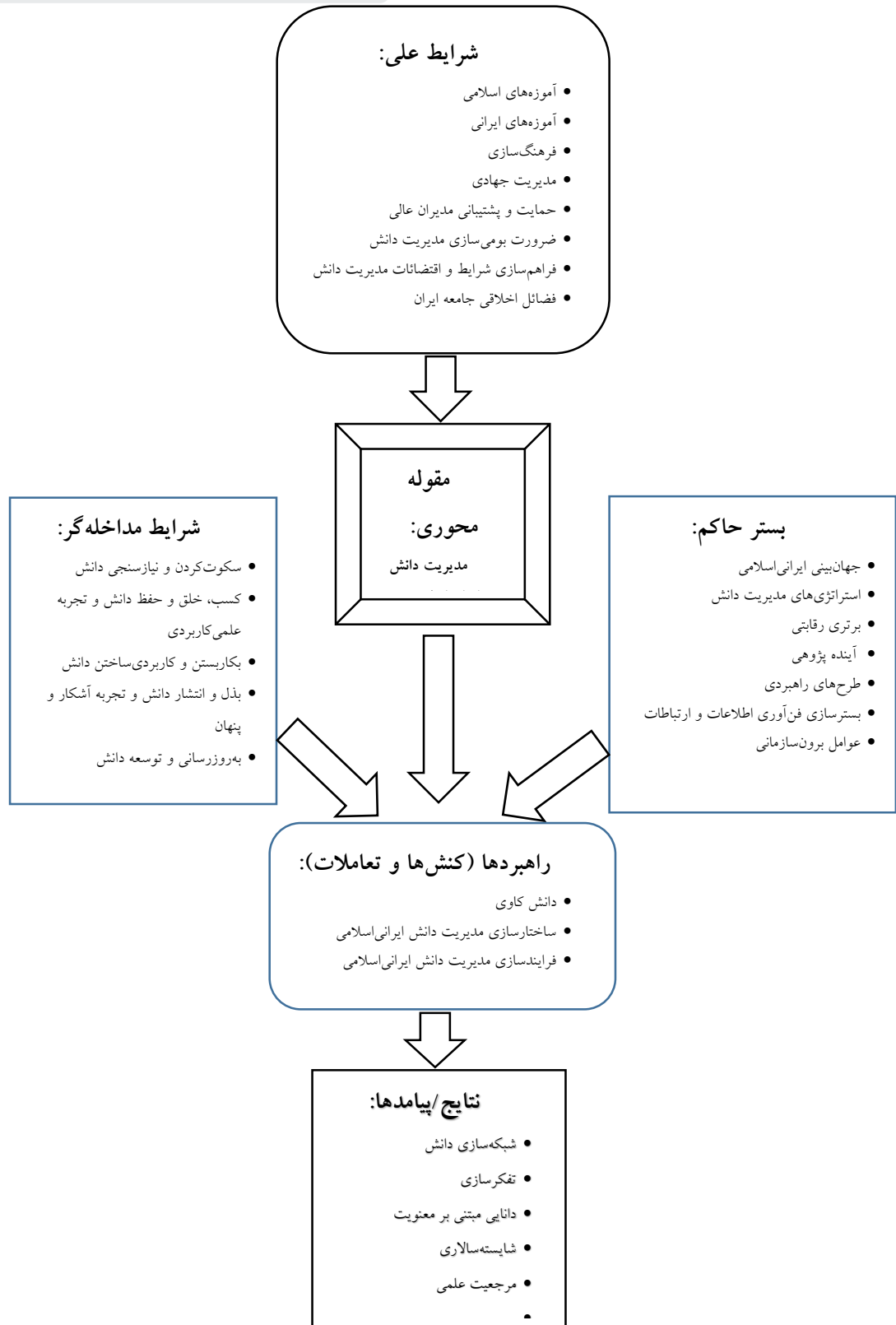
1. Grounded Theory
2. Reichertz
3. Grounded Theory



یافته‌های پژوهش

به منظور پاسخ دادن به سوال اصلی پژوهش (چه مدل مدیریت دانشی بر مبنای آموزه‌های اسلامی و ایرانی مناسب است؟) تحلیل داده‌ها بلافاصله پس از جمع‌آوری داده‌ها شروع شد. در نظریه پردازی داده بنیاد، دو گرایش برای تحلیل داده‌ها وجود دارد. برخی از پژوهشگران به تحلیل جزء به جزء^۱ می‌پردازند. یعنی متون و داده‌ها را خط به خط و کلمه به کلمه مورد تحلیل قرار می‌دهند. برخی نیز به دلیل وقت‌گیر بودن این روش تنها نکات و مضامین کلیدی را کدگذاری می‌کنند. (دانایی فرد، ۱۳۸۴)، در این پژوهش از روش دوم استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری شده طی فرآیند مصاحبه به روش کدگذاری سه مرحله‌ای استراوس و کوربین (۱۹۹۸) (کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری انتخابی^۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در فرایندگذاری ابتدا نکات کلیدی متن مصاحبه‌ها استخراج شد سپس در سه مرحله کدبندی گردید و کدهایی اولیه، کدهای ثانویه و کدهای نهایی حاصل شد. براساس تحلیل داده‌ها و از ترکیب کدهای استخراج شده در مجموع ۲۳۵ کد نهایی بدون تکرار استخراج شد که از ترکیب این تعداد ۸۰ مفهوم نهایی و ۲۹ مقوله (طبقه) شکل گرفت که در فرآیند کدگذاری انتخابی الگوی نهایی را ایجاد کردند. هدف نظریه پردازی داده بنیاد تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل داده‌ها به نظریه، مفاهیم و مقوله‌های تولید شده به طور منظم به یکدیگر مربوط می‌شوند. در مرحله کدگذاری انتخابی، با ایجاد ارتباط بین گروه‌ها، آنها را یکپارچه ساخته و نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی طبق شکل (۴) مطرح شد.

1. Micro-Analysis Coding
2. Open Coding
3. Axial Coding
4. Selection Coding



شکل (۴): نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی



مراحل اصلی مدیریت دانش عمدتاً شامل کسب، خلق، کدگذاری، تسهیم، ارزیابی و کاربرد دانش در سازمان‌هاست. بدین منظور، شش رویکرد عمده به چرخه مدیریت دانش توسط ویگ (۱۹۹۳)، می‌یر و زاگ (۱۹۹۶)، مک الوری (۱۹۹۹)، بیوکویتز و ویلیامز (۲۰۰۰)، بیرکین شاو و شیهان (۲۰۰۲) و دالکر (۲۰۰۵) مطرح شده است. دالکر تلاش خوبی برای مقایسه و تلفیق مدل‌های ارائه شده برای چرخه‌های مدیریت دانش در شرکت‌ها و سازمان‌ها انجام داد و براساس مطالعه و مقایسه رویکردهای قبلی، فرایند مدیریت دانش یکپارچه را شامل مراحل زیر مطرح کرد:

خلق، کسب و متنی‌سازی دانش - تسهیم، توزیع و دسترسی دانش - درک، کاربرد و به‌روزرسانی دانش

مدیریت دانش بیشتر بر روی فعالیت‌های شناسایی، کسب، خلق، ذخیره‌کردن، تسهیم و کاربرد دانش به وسیله افراد و گروه‌ها در سازمان تأکید دارد (سان، ۲۰۱۰: ۵۰۷). در این ارتباط و در مدیریت دانش را مجموعه‌ای از رویه‌ها برای خلق، اکتساب، تسهیم و کاربرد دانش برای ارتقاء عملکرد سازمانی تعریف می‌کند (ون، ۲۰۰۹: ۳۶۳). نحوه دریافت و جریان اطلاعات، سازماندهی اطلاعات و کاربرد علمی دانش در فعالیت‌های روزانه سازمان‌ها و تربیت و آموزش کارکنان دانشی از جمله ضرورت‌هایی است که زمینه را برای تولید دانش، ذخیره دانش و کاربرد دانش (مدیریت دانش) فراهم می‌سازد (یوگوئل، ۲۰۰۳: ۵۵). حرکت سازمان‌های پیشرو و پویا به سوی سازمان‌های یادگیرنده، به تثبیت هر چه بیشتر جایگاه مدیریت دانش در استراتژی توسعه و رشد سازمان‌های پیشرو منجر می‌شود (ردگاه و فقیهی، ۱۳۹۳: ۱۵). نظرات و دیدگاه‌های متنوعی در حوزه مدیریت دانش وجود دارد. انتخاب ابزارها و مدل‌های مناسب جهت پیاده‌سازی مدیریت دانش یکی از ملاحظات مدیریتی در استفاده هر چه سودمندتر از دانش‌های آشکار و نهان در سازمان‌ها می‌باشد (رضایی‌کلانتری و صالحی، ۱۳۹۴: ۱۳). براساس دیدگاه پیتر دراگر کارکنان دانشی و کار دانشی به عنوان عوامل حیاتی در اقتصاد دانش‌محور تلقی می‌شوند (محمدی فاتح، ۱۳۹۰: ۵). به همین دلیل اساسی‌ترین مشخصه سازمان‌های هوشمند قرن ۲۱ را دانش و اطلاعات قلمداد کرده‌اند (محمدی فاتح و همکاران، ۱۳۹۰: ۱). سازمان‌هایی که می‌دانند دانش و اطلاعات را چگونه باید مدیریت کنند، رهبران صنعت خود خواهند بود (منوریان و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵). با مطرح شدن عنصر دانش و دانایی به عنوان اصلی‌ترین منبع و سرمایه سازمان‌ها، و اهمیت یافتن کارکنان دانشی، دریچه‌ای نو در اداره امور و مدیریت سازمان‌ها گشوده شده است (هولت هوس، ۲۰۱۰: ۵). براین اساس دست‌اندرکارانی که از نظر فیزیکی قوی‌ترند، مورد توجه نمی‌باشند، و این کارگزاران دانشی‌اند که با استفاده از دانش و دانایی، تولیدکننده اصلی ثروت و ارزش افزوده محسوب می‌شوند (شریف‌الدین و رولند، ۲۰۰۴: ۱۰۵).

1. Sun
2. Wen
3. Holthouse
4. Sharifuddin, Ikhsan And Rowland



با توجه به مواردی که مطرح شد، چرخه مدیریت دانش اغلب به مراحل ۳ تا ۸ فرآیندی تقسیم می‌شود. در این تحقیق پس از مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران، با ادغام و تعدیل فرایندهایی که توسط محققان مختلف ارائه شده بود و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، چرخه فرآیندی مدیریت دانش به پنج بعد مختلف تقسیم گردید:

۱. سکوت‌کردن و نیازسنجی دانش، ۲. کسب، خلق و حفظ دانش، ۳. بکار بستن و کاربردی ساختن دانش، ۴. بذل و انتشار دانش، ۵. به‌روز رسانی و توسعه دانش.

بحث و نتیجه‌گیری

با وجود مطالعات فراوانی که در حوزه مدیریت دانش انجام گرفته است تعداد بسیار کمی از تحقیقات به مدیریت دانش با رویکرد ایرانی و اسلامی پرداخته‌اند و تحقیق جامع و معتبری در این خصوص مشاهده نگردید. این امر پژوهشگران را برآن داشت تا با استفاده از روش کیفی و راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به مطالعه و بررسی در حوزه مورد اشاره بپردازند. هدف پژوهش حاضر این بود که ضمن مقایسه مدل‌های مختلف مدیریت دانش و بررسی چرخه مدیریت دانش در ادبیات مدیریت و منابع اسلامی، نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی را ارائه کند. به منظور رسیدن به این هدف، تحلیل داده‌های مصاحبه بلافاصله پس از جمع‌آوری داده‌ها شروع شد و نظریه مدیریت دانش ایرانی اسلامی طبق شکل (۴) مطرح شد. همچنین چرخه فرآیندی مدیریت دانش به پنج بعد: ۱. سکوت‌کردن و نیازسنجی دانش، ۲. کسب، خلق و حفظ دانش، ۳. بکار بستن و کاربردی ساختن دانش، ۴. بذل و انتشار دانش و ۵. به‌روز رسانی و توسعه دانش تقسیم گردید. طبق نظریه ارائه شده، مدیریت دانش ایرانی اسلامی تلاشی برای تحقق عملکرد مدیریت دانش از طریق فرایند سکوت‌کردن و نیازسنجی دانش، کسب، خلق و حفظ دانش، بکار بستن و کاربردی ساختن دانش، بذل و انتشار دانش و به‌روز رسانی و توسعه دانش برگرفته از آموزه‌های اسلامی و ایرانی جهت نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام است (موفق، ۱۳۹۷). هدف نهایی از مدیریت دانش ایرانی اسلامی، ایجاد جامعه دانشی اسلامی و اجرای ارزش‌ها و معانی اسلام در زندگی واقعی است تا مبادله دانش بین نسل‌ها استمرار یابد و پس از آن تولید دانش معاصر براساس مقتضیات زمان و بر مبنای پایه‌ها و مبانی اصول اسلامی صورت گیرد و از طریق مدیریت مستمر دانش اسلامی اجرا و بهره‌وری آن مستدام شود.

در رویکرد اسلامی هدف مشترک همگان در نهایت رسیدن به رضایت و قرب خدا است. رویکرد اسلامی انگیزه درونی ایجاد می‌کند که نقش کاتالیزور دارد، اجزاء مختلف را به همدیگر پیوند می‌زند و همگان را در جهت‌گیری الهی با هم متحد می‌کند که در مجموعه‌ای واحد با هم تلاش می‌کنند تا در آن سازمانی که هستند با نشر دانش و توانمندسازی همدیگر بتوانند وظایف خود را به بهترین شکل انجام دهند. ما از صبغه تمدن ایرانی و صبغه فرهنگ اسلامی می‌توانیم برای بهبود مدیریت دانش استفاده کنیم. ما ایرانی‌ها سابقه درخشان و طولانی در بحث دانش، علم‌آموزی، علم‌اندوزی در دنیا داریم. مصداق آن کتابخانه‌های مجهزی بوده که در دوران بسیار قدیم داشتیم، در دین اسلام و فرهنگ ایران، بر مقوله دانش، انتقال دانش و انتقال تجربه تاکید فراوانی می‌شود. بنابراین ظرفیت‌های تمدنی، تاریخی و فرهنگی لازم را برای نهادینه‌سازی مدیریت دانش داریم. ارزش‌های دینی ما مبتنی بر کسب



دانش و نگهداری دانش است. در فرآیند مدیریت دانش بسیاری از مصداقهای تاریخی، تمدنی و همچنین آیات و روایات متعددی می‌توانیم بیاوریم که موید این مطالب باشد. فلذا مدیریت دانش ایرانی اسلامی تاکید می‌شود و شواهد بسیار زیادی می‌توانیم برای تایید این موضوع معرفی کنیم. همچنین در مدیریت دانش ایرانی اسلامی قطعاً لازم است که مدلی با رویکرد ایرانی اسلامی مطرح شود، چون مدل‌هایی که از کشورهای غربی به صورت تئوریک وارد کشور ما شده است با ساختار فرهنگی، با دین اسلام و با پارادایم فکری جامعه ما همسانی ندارد. بنابراین در این پژوهش مدیریت دانش با رویکرد ایرانی اسلامی متناسب با فرهنگ ایران و دین اسلام، مطرح شد.



منابع

۱. ابنشعبه حرانی، حسن ابن علی. (۱۴۰۴ق). "تحف العقول عن آل الرسول". تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
۲. اخوان، پیمان و سید پیمان خادم الحسینی. (۱۳۹۲). "تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام". دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی. شماره ۲، سال ۲۱، صص ۹۹-۱۲۶.
۳. ارشادی، وحید؛ سلیمی فر، مصطفی؛ ناجی میدانی، علی اکبر و بهروز مهram. (۱۳۹۴). "نظم‌پذیری جمعی درون خانواده؛ پدیده محوری در تاثیرپذیری عملکرد اقتصادی از آموزه‌های اسلامی: مقاله‌ای براساس نظریه زمینه‌ای". فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی. شماره ۱، دوره ۸، صص ۴۵-۷۰.
۴. پیران‌زاده، علی و آرن قلی‌پور. (۱۳۹۲). "مدیریت دانش". فصلنامه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. شماره ۲، دوره ۵، صص ۱۹-۳۶.
۵. تولایی، روح‌اله. (۱۳۹۰). "بررسی مفهوم دانش در منابع اسلامی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی علی رضائیان. دانشگاه امام صادق.
۶. ترک‌زاده، جعفر. (۱۳۸۸). "روش پژوهش فرآیند چرخه‌ای تحلیل، روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پر بعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی". فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی. سال ۱۵، شماره ۶۱.
۷. حاتمی، رضا؛ صفائی، بهزاد و سعید غلامی. (۱۳۹۴). "بررسی مدل‌های مدیریت دانش و ارائه مدل مفهومی مدیریت دانش به عنوان مزیت رقابتی با استفاده از رویکرد پویایی‌های سیستم". دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
۸. حسن‌زاده، محمد. (۱۳۸۶). "موانع زیرساختی اعمال مدیریت دانش در ایران". اولین کنفرانس ملی مدیریت دانش. تهران.
۹. حسینی زبیدی. (۱۴۱۴ق). "ناج العروس من جواهر القاموس". تصحیح علی هلالی و علی سیری. بیروت: دارالفکر.
۱۰. دانایی‌فرد، حسن و سیدمجتبی امامی. (۱۳۸۶). "استراتژی‌های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد". اندیشه مدیریت. سال اول، شماره دوم، صص ۶۹-۹۷.
۱۱. دانایی‌فرد، حسن و نونا مومنی. (۱۳۸۷). "تئوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی (ع)، استراتژی تئوری داده‌بنیاد متنی". فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی. شماره ۱۴، سال ۴، صص ۷۵-۱۱۰.
۱۲. دیلمی، حسن ابن محمد. (۱۴۰۸ق). "اعلام الدین فی صفات المؤمنین". قم: موسسه آل‌البیت.
۱۳. ردگاه، ژاله و علیرضا فقیهی. (۱۳۹۳). "راه‌کارهای بهره‌گیری از مدل مدیریت دانش نوناکا در سازمان‌ها". کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری.
۱۴. رضائی‌کلاتری، مرضیه و محمد صالحی. (۱۳۹۴). "نقش مدل‌های مدیریت دانش در سازمان‌های امروزی". اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی. شرکت علمی پژوهشی و مشاوره‌ای آینده‌ساز. استان مازندران. ساری.
۱۵. شاه‌بندرزاده، حمید و مهدی توکلی. (۱۳۹۳). "ارائه مدلی جهت پیاده‌سازی مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی". سومین همایش علوم مدیریت نوین.
۱۶. کراچکی، محمدابن علی. (۱۴۱۰ق). "کنز الفوائد". تصحیح عبدالله نعمه. قم: دارالذخایر.
۱۷. کلینی، محمدابن یعقوب. (۱۴۲۹ق). "الکافی". قم: دارالحدیث.
۱۸. لقمان‌نیا و دیگران. (۱۳۹۰). "شناسایی مولفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی براساس نظریه داده‌بنیاد". فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۴، سال ۱۰، صص ۳۳-۵۶.
۱۹. موفق، حسن. (۱۳۹۷). "ارائه مدل مدیریت دانش ایرانی اسلامی برای سازمان‌های دولتی ایران". رساله دکتری به راهنمایی غلام‌رضا هاشم‌زاده خوراسگانی، دانشکده مدیریت، گروه مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲۰. محمدی‌فاتح، اصغر؛ سبحانی، محمدصادق و داریوش محمدی. (۱۳۹۰). "مدیریت دانش رویکردی جامع". تهران، چاپ دوم: انتشارات پویش.
۲۱. محمدی‌فاتح، اصغر. (۱۳۹۰). "مدیریت دانش در محیط کار پست مدرن". مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی مدیریت دانش. سالن همایش‌های بین‌المللی رازی، تهران.
۲۲. منطقی، محسن و ظاهر اکبری. (۱۳۹۲). "مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی". شماره ۱، پیاپی ۷، سال ۳، صص ۵۹-۷۶.



۲۳. منوریان، عباس؛ محمدی فاتح، اصغر و فضل اله زارع پور. (۱۳۹۰). "خلق سازمان های دانش محور". تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
24. Al_Athari A. and Zairi M. (2001). "Building Benchmarking Competence Through Knowledge Management Capability_An Empirical Study At The Kuwaiti Contex". Benchmarking: An International Journal, Vol 8, No 1, Pp 70-80.
25. Al-Attas, Syed Muhammad Al-Naguib. (1980). "The Concept Of Education In Islam: A Framework For An Islamic Philosophy Of Education". Kuala Lumpur, Muslim Youth Movement Of Malaysia (Abim).
26. Denzin, Norman K. And Lincoln, Yvonna S. (1994). "Introduction: Entering The Field Of Qualitative Research". Thousand Oaks, Ca:Sage.
27. Holtshouse, D. (2010). "Knowledge Work 2020: Thinking Ahead About Knowledge Wprk". Journal Of On The Horizon. Vol 18, No 3, Pp 1-9.
28. Liebowitz, J. , Megbolugbe, I, (2003). "A Set Of Frameworks To Aid The Project Manager In Conceptualizing And Implementing Knoledge Management Initiatives" International Journal Of Project Management, Vol 21, Pp 89-98.
29. Muhammadulbakir, Hj. Yaakub. (2011). "Islamic Conceptualization Of Knowledge Management". American Journal Of Economics And Business Administration. Vol 3, No 2, Pp 363-369.
30. Sharifuddin Syed_Ikhsan, S.O. And Fytton Rowland. (2004). "Knowledge Management In A Public Organization: A Study On The Relationship Between Organizational Elements And The Performance Of Knowledge Transfer". Journal Of Knowledge Management. Vol 8, Iss 2, Pp 95-111.
31. Strauss, A, Corbin, J. (1998). "Basic Of Qualitative Research: Techniques And Procedures For Developing Grounded Theory". 2nd Ed. Thousand Aoks, Sage.
32. Sun, P., (2010). "Five Critical Knowledge Management Organizational Themes". Journal Of Knowledge Management, VOL 14, NO 4, Pp 507-523.
33. Wen, Y., (2009). "An Effectiveness Measurement Model For Knowledge Management". Knowledge-Based Systems 22, PP 363-367.
34. Yoguel, G. Et Al. (2003). "Knowledge And Information: The Diffusion Of Ict In The Argentinaian Manufacturing Industry". Butterworth Heinmann, Newtown, Ma, Pp 47-76.



Designing Iranian Islamic Knowledge Management theory Using The Grounded Theory Strategy

Abstract

No School Value As Much As Islam For Knowledge And Awareness, And Other Is No Religion Like Islam Has Not Forbidden Humans From The Danger Of Ignorance. Knowledge Management Is Not A New Concept And Is More Than The Result Of Old Civilizations Including The Islam Civilization And Iran. Many Philosophers Emphasize: Every Society Needs A Knowledge Collection That Appropriate To Historical and Cultural Memory, and In General, It Is Compatible With the Living Environment of the Community. In The Meantime, Islamic Countries Especially Iran Having A Special Philosophy Of Life And A Different Culture With Other Countries, They Need Their Own Theories. Despite The Many Studies That Have Been Done In Knowledge Management, Very Few Researches Have Focused On Knowledge Management With The Iranian Islamic Approach And There Was No Comprehensive And Credible Research In This Regard. This Led Researchers To Use The Qualitative Method And Grounded Theory Strategy To Study And Investigation In The Area Referred To. The Purpose Of This Research Is To: Comparing Different Knowledge Management Models And Reviewing The Knowledge Management Cycle In The Management Literature And Islamic Resources, Finally Is Designed The Islamic Iranian Knowledge Management Theory. There Is No Community In This Research And Interviewed With Seventeen Experts. Based On The Analysis Of Collected Data And After The Three Step Coding Process Of The Interview Text, 235 Final Codes, 80 Final Concepts And 28 Categories Obtained And Finally, The Iranian Islamic Knowledge Management Theory Was Designed.

Keywords:

Knowledge, Knowledge Management Models, Knowledge Management Process, Iranian Islamic Knowledge Management Theory, Grounded Theory.